



# جعل و استفاده از سند مجموع

سیدعباس هزاری فارسانی  
(مدرس دانشگاه)

در این مقام برآنیم تا به نحو اجمال، عناصر تشکیل دهنده جرایم جعل و استفاده از سند معمول را مرور نماییم.

## جعل:

بزه جعل به لحاظ ماهیت مجرمانه خود دارای تعریف، عناصر قانونی مادی، معنوی و مجازات است که این عناصر و اجزا را با توجه به قانون مجازات اسلامی و دیگر مقررات موجود از نظر می گذرانیم:

## گفتار اول؛ تعریف:

برای قاضی ضروریست که از هر جرم یک تعریف در دست داشته باشد. تعریفی که جامع اوصاف و شرایط آن باشد و به عنوان یک قالب و چهارچوب برای تعیین جرم بودن یا نبودن یک عمل مورد استفاده قرار گیرد. قانونگذار در مورد جعل، تعریف زیر را ارائه داده است.

به موجب ماده (۵۲۳) قانون مجازات اسلامی، جعل و تزویر عبارتست از: «ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای

جرم، آن را به عنوان «عملی که مخل نظم و امنیت عمومی است» تعریف کرده اند و این تعریف از آنجا که نظر به فلسفه وضع قواعد حقوقی و هدف عالی حقوق کیفری دارد، تعریفی فراگیر و قابل قبول است. در این مقام بدون توجه به ایرادات وارد بر طبقه بندی، از آنجا که توسط بسیاری از اساتید پذیرفته شده و مقبولیت یافته است، نیز برای اینکه به سنت شکنی متهم نشویم ما هم آن را می پذیریم. با ذکر این توضیح که جرایمی که در ذیل عنوان اخیر قرار گرفته اند، بی تردید بنوعی در مقایسه با دیگر جرایم از اهمیت بیشتری (به لحاظ ارتباط نزدیکتر آنها با نظم و آسایش عمومی) برخوردارند و ضرر و صدمه آنها متوجه مصالح و منافع عموم افراد جامعه است. در زیر عنوان «جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی»، جرایمی مانند جعل استفاده از سند معمول، ضرب سکه قلب، اختلاس و ارتشا قرار می گیرند.

جرایم را به مناسبت های گوناگون دسته بندی نموده اند. براساس موضوع جرم، می توان سه دسته عمده برای اعمال ممنوعه ای که قانونگذار در متون قانونی احصا، و برای هر کدام وضع ضمانت اجرای کیفری نموده است، قائل شد. دسته اول، جرایم علیه اعراض و نفوس؛ دسته دوم، جرایم علیه اموال و مالکیت و دسته سوم، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. جرایمی که موضوع آنها تمامیت جسمانی و یا حیثیت و آبروی افراد است، در دسته نخست قرار می گیرند و جرایمی که موضوع آنها به طور کلی مالکیت و اموال است، در دسته دیگر جای دارند. اما جرم علیه امنیت و آسایش عمومی کدام است؟

صرف نظر از اینکه اصولاً هدف از دسته بندی، سهولت در مطالعه است؛ این تفکیک و تمایز نمی تواند از هر جهت خالی از ایراد و اشکال باشد. اقتضای جرایم، اختلال در نظم عمومی است، ضمن یک تعریف اولیه از

اشخاص رسمی یا غیررسمی، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب»  
براین اساس، علمای حقوق نیز در تعریفی که از جعل ارائه داده‌اند، آن را «تعریف متقلبانه واقعیت در نوشته به وسیله‌ای که قانون معین کرده و به نحوی که منشاء زیان و خسارت باشد»<sup>(۱)</sup> و یا «قلب متقلبانه یک حقیقت یا امور دیگری در یک سند یا نوشته یا چیز دیگر به یکی از طرق مذکور در قانون»<sup>(۲)</sup> تعریف نموده‌اند. آقای دکتر آزمایش نیز جعل را «ساختن نوشته یا چیز دیگر برخلاف حقیقت و به ضرر غیر»<sup>(۳)</sup> تعریف نموده‌اند. تعریف اخیر به رغم ایجاز آن و جلب نظر قانونگذار، از دیگر خصوصیات یک تعریف خوب نیز برخوردار است. از نظر قانونگذار، عبارات «جعل» و «تزویر» مترادف بوده و معنی واحدی را افاده می‌نمایند.

#### گفتار دوم؛ رکن قانونی :

برای جرم قلمداد کردن یک عمل، ذکر ممنوعیت و بیان حرمت آن به همراه وضع ضمانت اجرای مناسب، توسط مقنن ضروری می‌باشد. در موضوع بحث ما، ماده (۵۲۳) و مواد بعدی آن در قانون مجازات اسلامی مصوب سال (۱۳۷۵)، با نضمام دیگر مواد مربوط به جعل که در قوانین متفرقه پیش‌بینی شده و نیز آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور، اجزای قانونی جرم جعل را تشکیل می‌دهند. از آنجا که قوانین جزائی محدود به مرزهای کشور بوده و در خارج از قلمرو آن کشور اعتباری ندارد، موقعیت ماده (۵) قانون مجازات اسلامی نسبت به این اصل چگونه است؟

قوانین و مقررات جزائی کشور از نظر مکانی محدود به مرزهای حاکمیت می‌باشد و این از ویژگیهای قوانین بشری است. با این وجود، این قاعده نیز همانند هر قاعده دیگر استثنائاتی دارد و در موارد مهم مرتبط با نظم

سیاسی، اقتصادی، تمامیت ارضی و حمایت از تبعه، این قاعده کلی تخصیص خورده است. بر همین مبناست که ماده (۵) موصوف، جعل فرمان یا دستخط، مهر یا امضای سران مملکتی و یا جعل اسناد بانکی کشور را صرف نظر از محل ارتکاب و یا تابعیت مرتکب - چنانچه مرتکب به ایران مسترد شده یا در ایران یافت شود- در صلاحیت محاکم ایران می‌داند.

شروع به جرم بنا به تصریح ماده (۵۴۲) قانون مجازات اسلامی، جرم و قابل مجازات است.

#### گفتار سوم؛ رکن مادی :

در بحث از عنصر مادی به ترتیب مطالبی را پیرامون موضوع جرم، مرتکب و دیگر شقوق مداخله در جرم مانند شرکت و معاونت در جرم، خصوصیت مرتکب و مجنی علیه، عمل و صور فعل مرتکب، تأثیر وسیله و نتیجه در وقوع جرم جعل، بیان می‌نماییم.

#### ۱- موضوع جرم :

جرم جعل را از جرایم علیه (یا مرتبط با) امنیت و آسایش عمومی می‌دانند و هدف قانونگذار، حمایت از نوشته‌ها، اسناد و مدارک و اعتبار آنهاست. بنا به تصریح ماده (۵۲۳) و مواد بعدی آن در قانون مجازات اسلامی، موضوع جعل عبارتست از نوشته، سند و موارد دیگر. مصادیق مذکور در قانون به جهت ذکر عبارت «و نظایر اینها» که افاده حصر نمی‌نماید تمثیلی است. از این رو قلمرو موضوع جرم بسیار گسترده و وسیع است.<sup>(۴)</sup>

مطابق تلقی عرف، نوشته را می‌توان ورقه‌ای دانست مکتوب، که بر روی آن کلمات و یا تصاویری تحریر و یا ترسیم شده‌است؛ اعم از اینکه دست نویس باشد و یا آنکه با ابزار و آلات امروزی مانند کامپیوتر و غیر آن پدید آمده باشد. در یک معنی، تحریر (نوشتن) اعم از ترسیم بوده و تصاویر و نقوش را نیز دربر می‌گیرد. سند هم چه رسمی و چه عادی، نوعی نوشته است و اطلاق نوشته بر سند نیز صادق است و به نظر می‌رسد، در پی آوردن کلمه «سند» بعد از «نوشته» توسط قانونگذار

از باب تأکید بوده‌است.

اسناد (رسمی و عادی)، موضوع جرم جعل قرار می‌گیرند. به موجب ماده (۱۲۸۷) قانون مدنی، سندی که در ادارات ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی و یا نزد مأمورین دولتی و در حدود صلاحیت آنها برطبق مقررات تنظیم شده باشد، مانند سند مالکیت، شناسنامه و مدارک تحصیلی رسمی است و دیگر اسنادی که فاقد اوصاف فوق باشند عادی محسوب می‌شوند، مانند چک که یک سند عادی از نوع تجاری است.

اشیای دیگری نیز ممکن است موضوع جعل قرار گیرند که قانونگذار بتمثیل به برخی از آنها اشاره کرده است، مانند مهر و امضا، تمبر، منگنه و علامت.

#### ۲- مرتکب جرم، دیگر شقوق مداخله در بزه (شرکت، معاونت) :

جرم جعل، ممکن است توسط بیش از یک نفر صورت گیرد. در این حالت - طبق قواعد کلی - چنانچه جرم ارتكابی مستند به عمل همه آنها باشد آنان به عنوان شرکای در جرم محسوب شده و مجازاتشان نیز مجازات فاعل مستقل خواهد بود؛ مانند اینکه دو نفر به طور اشتراکی گذرنامه و یا شناسنامه‌ای را جعل نمایند. معاونت نیز در جرایم عمدی، با جمع شرایطی قابل تصور است. معاونت در این جرم (مثلاً تهیه وسایل لازم برای مرتکب که نوعی تسهیل وقوع جرم است) هم از نظر تئوری و هم از نظر عملی قابل تصور است.

#### ۳- خصوصیت مرتکب :

هر شخصی می‌تواند مرتکب این جرم شود و خصوصیتی در مرتکب جعل شرط نیست. با این وجود، در برخی از مصادیق این جرم - چنانچه مرتکب کارمند دولت باشد (سمت مرتکب) و یا اینکه سند یا نوشته جعل شده رسمی و یا دولتی باشد (نوع سند) - مجازات تشدید شده است.

#### ۴- عمل مرتکب و صور آن :

مستفاد از متون قانونی و بنا بر تعریفی که از جعل ارائه نمودیم، عمل مرتکب عبارتست از فعل مثبت مادی، به صورت ساختن متقلبانه

اصل شود و با علامت یا مهری از اصل متمایز نشده باشد، جعل محسوب نموده است. در ابتدای امر شاید این گونه به نظر رسد که این ماده، خصوصیات جعل را دارا نیست و مثلاً عکسی که از کارت شناسایی تهیه می‌شود برخلاف حقیقت نبوده و حتی به ضرر کسی نیز نمی‌باشد!

برای توجیه این ایراد در ابتدا به این نکته اشاره می‌نماییم که از نظر برخی از اساتید «برخلاف حقیقت بودن»، اعم است از برخلاف حقیقت اولیه و برخلاف حقیقت ثانویه. در موردی که در واقع و نفس الامر، اشتغال ذمه و دینی وجود ندارد و سندی برای اثبات چنین امری ساخته می‌شود، برخلاف حقیقت اولیه است. اما در جایی که اشتغال ذمه وجود داشته و سندی برای آن دین ساخته می‌شود، برخلاف حقیقت ثانویه است و در هر دو صورت از آنجا که مرتکب، حق ساختن این سند را نداشته، مرتکب جعل شده است. (۷) در مورد ماده (۵۳۷) نیز تهیه مدرک و سندی از اسناد معتبر دولتی مانند کارت شناسایی و امثال آن به گونه‌ای که موجب اشتباه با اصل شده و عدم ذکر وجه تمایز موجب آن شود که اعتبار این اسناد و مدارک متزلزل گردد - که ضرر اجتماعی آن بر کسی پوشیده نیست - از این رو قانونگذار شبیه سازی آنها را ممنوع کرده است.

ضرر در جعل، مطلق بوده و هر ضرر شخصی یا اجتماعی، مادی یا معنوی را در بر می‌گیرد. (۸) اما سؤالی که مطرح می‌شود، اینست که آیا «شبیه سازی» شرط در تحقق جعل است یا خیر؟

از آنجا که در هیچ کدام از متون قانونی مربوط به جعل، اشاره‌ای به لزوم وجود مشابهت به عنوان جزئی از اجزای جعل نشده است و تنها در ماده (۵۳۷) قانونگذار، به طور تلویحی اشاره‌ای به مشابهت کرده است و رویه قضایی واحدی نیز در این مورد وجود ندارد. (۹) اظهار نظر قاطع در این مورد دشوار است. در مورد ماده (۵۲۶) قانون مجازات اسلامی،

**جرم جعل جزو آن دسته از جرایمی است که وسیله به خصوصی شرط در تحقق آن نبوده و حتی موجب تشدید مجازات نیز نمی‌گردد**

سوء نیت خاص مرتکب در اضرار ندارد. متن قانونی مطلق در خصوص جعل، ماده (۵۳۶) قانون مجازات اسلامی می‌باشد که در این ماده ساده‌ترین نوع جعل از نظر موضوع، یعنی جعل و تزویر در نوشته عادی (غیررسمی) موضوع حکم قرار گرفته است.

ماده (۵۳۷) قانون مجازات اسلامی، عکسبرداری از کارت شناسایی و اوراق هویت شخصی و مدارک دولتی و عمومی و سایر مدارک مشابه را در صورتی که موجب اشتباه با

**جرم جعل، ممکن است توسط بیش از یک نفر صورت گیرد. در این حالت - طبق قواعد کلی - چنانچه جرم ارتكابی مستند به عمل همه آنها باشد آنان به عنوان شرکای در جرم محسوب شده و مجازاتشان نیز مجازات فاعل مستقل خواهد بود؛ مانند اینکه دو نفر به طور اشتراکی گذرنامه و یا شناسنامه‌ای را جعل نمایند**

(برخلاف حقیقت). بدین معنی که مرتکب با قصد تقلب، اعمال مذکور در ماده (۵۲۳) و یا نظایر آن را بر روی موضوع جرم انجام می‌دهد. قانونگذار در ماده مزبور، صوری را برای فعل مرتکب برمی‌شمارد و بتمثیل از تراشیدن، خراشیدن، قلم بردن، الحاق، سیاه کردن، اثبات، الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر، به کاربردن مهر دیگری بدون اجازه و ایجاد تقدیم و تأخیر در سند نسبت به تاریخ واقعی، نام می‌برد.

«ساختن» به دو صورت امکان وقوع دارد؛ حالت اول زمانیست که جاعل محل نوشته‌ای را که قبلاً وجود نداشته - از ابتدا تا انتها - به وجود آورد و در حالت دوم، در نوشته و سندی که از قبل موجود بوده، به طور جزئی تغییراتی پدید آورد.

در مورد جعل معنوی یا مفادی، موضوع بدین معنا در ماده (۵۳۴) قانون مجازات اسلامی نیز اظهار نظر شده است که مرتکب در ذهن خود عمل ساختن را انجام می‌دهد. بدین صورت که در ذهن خود حقیقت را تبدیل و تغییر می‌دهد و سپس مطالبی را برخلاف حقیقت تحریر می‌کند. (۵) در جعل مفادی، سمت مرتکب (کارمند بودن) شرط در تحقق جرم است و در مورد جعل مفادی توسط غیر کارمند یا مأمور دولت، متن قانونی وجود ندارد.

بنابر آنچه شرح آن گذشت، متقلبانه یا برخلاف حقیقت بودن، خصوصیتی است مربوط به فعل مرتکب. خصوصیت دیگر فعل مرتکب، ضرر محتوم یا محتمل به غیر است. پیرامون موقعیت و جایگاه عنصر ضرر در تحقق جرم جعل، مطالب مبسوطی عنوان شده و بعضی آن را جزئی از عنصر معنوی قلمداد کرده‌اند. (۶)

اما چنانکه خواهد آمد، در جرم جعل، تحقق ضرر شرط نیست و همین که کسی نوشته یا سندی را بسازد و بداند که در واقع یا احتمالاً موجب ضرر مادی یا اعتباری برای دیگری یا جامعه می‌شود، کفایت می‌نماید و قاضی نیز تکلیفی مبنی بر احراز و اثبات

برخلاف حکم قانون رفتار می نماید. میزان تأثیر علم مرتکب جعل به حکم یا به موضوع در تحقق این جرم تا چه حد است؟ آیا علم مرتکب به حکم قانون و یا موضوع جعل شرط در تحقق جرم است؟ مطابق اصول و قواعد کلی، جعل جرم است و یا اینکه این عمل خاص داخل در عنوان جعل می باشد، مسموع نیست. اما علم مرتکب به اینکه عمل ارتكابی احتمالاً موجب و یا موجب اضرار غیر خواهد شد، لازم است. برای تشخیص این امر، قاضی احتیاجی به مطالعه نفسانیات مرتکب ندارد و همین که عرفاً وقوع ضرر محتمل باشد، کفایت می نماید. لذا اگر عرف، اضرار را محتمل نداند و یا اینکه احتمال را به درجه ای نداند که احتراز از ارتکاب آن ضروری باشد، علم و اطلاع مرتکب محرز نمی باشد.

سوء نیت عام در ارتکاب عمل در تمامی جرایم عمدی لازم است. بنابراین مرتکب جعل الزاماً باید در انجام فعل مجرمانه قاصد و عامد باشد و چنانچه مرتکب، اراده انجام عمل را نداشته باشد عنصر روانی لازم برای جرم جعل وجود ندارد.

سوء نیت خاص مرتکب، در اضرار شرط نمی باشد و همین تعداد که شخص عالم است به اینکه نوشته یا سند بالقوه و یا بالفعل قابلیت اضرار غیر را دارد، کفایت می کند و عمد او در اضرار و خواست نتیجه لازم نیست زیرا در این جرم، تحقق نتیجه شرط در تحقق جرم نمی باشد. داعی و انگیزه ای که مرتکب تحت تأثیر آن جرم را انجام داده، اصولاً بی تأثیر است اما در ماده (۵۲۶) قانون تعزیرات، داشتن انگیزه خاص از موجبات تشدید مجازات می باشد و چنانچه کسی موارد مذکور در ماده را به انگیزه اخلال در وضع پولی یا بانکی و یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی جعل نماید، مجازات او - اگر محارب شناخته نشود - حبس از پنج تا بیست سال می باشد. برخی از اساتید، قصد مرتکب را مبنی بر اخلال در وضع پولی یا بانکی و یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی،

در جرم جعل، تحقق ضرر شرط نیست و همین که کسی نوشته یا سندی را بسازد و بداند که در واقع یا اتمالاً موجب ضرر مادی یا اعتباری برای دیگری یا جامعه می شود، کفایت می نماید و قاضی نیز تکلیفی مبنی بر اضرار و اثبات سوء نیت قاصد مرتکب در اضرار ندارد

می سازد و یا خیر. در چنین جرمی که عنصر مادی آن ساده است، شروع به عملیات اجرائی جعل، شروع به جرم است. (۱۰)

گفتار چهارم؛ رکن معنوی؛

رکن معنوی یا روانی هر جرم، به فعل و انفعال ذهنی مرتکب مربوط است. جرم جعل از جرایم عمدی است و مرتکب عالماً و عامداً



شاید با قاطعیت بیشتری بتوان به لزوم شبیه سازی در جعل اسکناس و اوراق بهادار عقیده داشت اما در مورد جعل امضا، چگونه است؟ اگر شخصی ورقه چک متعلق به دیگری را به نام صاحب حساب امضا نموده و آن را به بانک ارائه نماید، آیا مرتکب جعل و در نتیجه استفاده از سند مجعول شده است؟ در فرض مسأله، تشابه و تطابق بین امضای ذیل ورقه چک و نمونه امضای صاحب حساب موجود نیست. لذا اگر مشابهت را جزئی دیگر از اجزای جعل بدانیم، چنین فردی مرتکب جرم جعل و استفاده از سند مجعول نشده است. بنابراین، وجود حداقل تشابه بر حسب موضوع جرم و در حد معمول و متعارف و به نحوی که سند مجعولی را در بدو امر در دید و ذهن بیننده اصل جلوه دهد، کفایت می نماید.

هوسبیله؛

جرم جعل جزو آن دسته از جرایمی است که وسیله به خصوصی شرط در تحقق آن نبوده و حتی موجب تشدید مجازات نیز نمی گردد. صور فعل مذکور در قانون (تراشیدن، خراشیدن، اثبات و....) با هر وسیله ای که بر روی موضوع جرم (نوشته و....) حادث گردد و تأثیری در تحقق جرم و یا تشدید مجازات آن ندارد.

۶- نتیجه (شروع و اتمام جرم)؛

جرم جعل جزو جرایم مطلق است یا مقید؟ آیا حصول نتیجه، شرط تحقق جرم است یا خیر؟

بنابر آنچه تاکنون گذشت و اینکه نتیجه اضرار غیر را شرط تحقق جرم ندانستیم، روشن است که جعل از جرایم مطلق می باشد. در جرایمی که عنصر مادی آنها بسیط است، شروع به عملیات اجرائی؛ و در جرایمی که عنصر مادی آنها مرکب است، انجام جزئی از عنصر مادی، شروع به جرم را محقق می گرداند. در جرم کلاهبرداری تا زمانی که تحقق نتیجه (که بردن مال غیر است) صورت نگرفته باشد، در مرحله شروع به جرم قرار دارد و تحقق نتیجه، جرم را تام می نماید. اما در جعل، دو حالت متصور است: یا اینکه نوشته را

مجرمانه دارد. ماده (۵۴۱) نیز در مورد شرکت در آزمون به جای دیگری، جرم مجزایی است که دارای اجزا و ارکان خاص خود است.

کیفرهای تبعی، اثرات ناشی از حکم بوده و به تبع کیفرهای اصلی بر شانه‌های مجرم هموار می‌شود، بدون اینکه در حکم دادگاه ذکر شود. برای نمونه ماده (۳۵) قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱، مقرر می‌دارد که: «محمومین به جعل و تزویر و... از تصدی اداره امور بانکها به هر عنوان ممنوع می‌باشند». به علاوه، حکم محکومیت به جعل بر حسب مورد ممکن است محرومیت حقوق اجتماعی موضوع ماده (۶۲) مکرراً قانون مجازات اسلامی، الحاقی در سال ۱۳۷۷ را نیز دربر داشته باشد.

مجازات شروع به جعل به موجب ماده (۵۴۲) قانون مجازات اسلامی، حداقل مجازات تعیین شده در همان مورد خواهد بود. استفاده از سند معقول:

بزه استفاده از سند معقول به لحاظ ماهیت مجرمانه خود واجد تعریف، ارکان ثلاثه قانونی، مادی، معنوی و همچنین مجازات است.

**گفتار اول؛ تعریف:**

بنابر آنچه قبلاً در مورد ضرورت وجود یک تعریف قانونی یا قضائی از هر جرم بیان نمودیم و در این مورد نیز نیازمند یک تعریف می‌باشیم. برخلاف جعل که قانونگذار در ماده (۵۲۳) آن را معرفی نموده است، در مورد استفاده از سند معقول چنین تصریحی به عمل نیامده است. از این رو، آن را به «ارائه و ابزار نوشته یا سند و یا دیگر اشیاى معقول با علم به معقول بودن آنها» تعریف نموده‌اند. در این مقام صرفاً به جهت رعایت اختصار آن را «استفاده از سند معقول» می‌نامیم که عنوان جامعی نیست.

**گفتار دوم؛ رکن قانونی:**

مواد (۵۲۴) و مواد بعدی آن در قانون مجازات اسلامی، به همراه دیگر مواد مربوطه در قوانین متفرقه و آرای وحدت رویه دیوان

تشدید مجازات محسوب می‌شود. با این وجود، در ماده (۵۲۹) و (۵۳۸) قانون مجازات اسلامی، برای جعل مهر، منگنه یا علامت شرکتهای غیردولتی و یا جعل گواهی پزشکی، مجازاتهای را مقرر نموده است که از مجازاتهای مقرر برای جعل نوشته عادی نیز کمتر است و این عمل قانونگذار توجیه معقول و منطقی ندارد.

به علاوه، در راستای اتخاذ یک سیاست جنایی مناسب و کارآمد در ماده (۵۳۱) قانون صدرالذکر، برای مرتکبینی که در جرایم موضوع مواد (۵۲۴) الی (۵۳۰)، به مأمورین

**در جرایمی که عنصر مادی آنها بسیط است، شروع به عملیات اجرائی؛ و در جرایمی که عنصر مادی آنها مرکب است، انجام جزئی از عنصر مادی، شروع به جرم را محقق می‌گرداند**

اطلاع داده و یا در دستگیری سایر مرتکبین مساعدت نموده باشند، معافیت و یا تخفیف در نظر گرفته است و این معافیت یا تخفیف ممکن است کل یا جزئی از مجازات باشد. اجرای این ماده برای قاضی تکلیف بوده و نمی‌تواند بدون جهت آن را اعمال نماید.

دادن گواهی و تصدیق خلاف واقع توسط پزشک - موضوع مواد (۵۳۹) و (۵۴۰) - به رغم تشابهاتی که با جعل مفادی دارد، از موضوع بحث خارج بوده و عنوان مستقل

سوء نیت خاص تلقی نموده‌اند. (۱۱) اصولاً شروع به جرم و جرم تام، منحصرأ در رکن مادی یعنی حصول یا عدم حصول نتیجه با هم متفاوتند و از لحاظ رکن معنوی تفاوتی بین این دو نمی‌باشد.

**گفتار پنجم؛ مجازات:**

از نظر سیر تحول، ضمانت اجرای کیفری جرم جعل در حقوق ایران، در قوانین قبل از انقلاب عمدتاً حبس بوده است و در مقررات جاری، جزای نقدی نیز در برخی مصادیق به عنوان مجازات اصلی در نظر گرفته شده است. همچنین قانونگذار بعضاً به لزوم جبران خسارت نیز اشاره کرده است.

اصولاً در جرایمی که داعی و انگیزه مرتکب آنها کسب منفعت و سودجویی است، مناسبتر چنین است که مرتکب به مجازات مالی تهدید شود و برای مرتکب این جرایم، جزای نقدی پیش‌بینی گردد که در مقایسه با حبس از کارایی بیشتری برخوردار بوده و معایب زندان را نیز ندارد، و «می‌تواند به عنوان جانشین مطمئنی برای مجازات حبس عمل نماید.

در حال حاضر، مجازات جعل بر حسب موضوع جرم، سمت مرتکب و انگیزه او متفاوت بوده و از مجازات سنگین اعدام تا دو ماه حبس و یا جزای نقدی در نوسان است. مجازات جعل و تزویر در سند عادی، به موجب ماده (۵۳۶) قانون مجازات اسلامی، شش ماه تا دو سال حبس و یا سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی است. مجازات جعل مفادی توسط کارمند دولت نیز به موجب ماده (۵۳۴)، یک تا پنج سال حبس و یا شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی می‌باشد.

در مواد (۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۳۲، ۵۳۳) موضوع جرم، از اسباب و عامل تشدید مجازات بوده و بر حسب مورد، مجازاتهای سنگین‌تری نیز مقرر شده است. در ماده (۵۳۲) قانون مجازات اسلامی و تبصره ماده (۵۲۷) این قانون، ماده (۱۰۰) قانون ثبت و ماده (۲۸) قانون کارشناسان رسمی، نیز سمت مرتکب مانند کارمند بودن و یا کارشناس بودن، به عنوان شرط و از عوامل

نهایت اینکه، در مواردی که مرتکب، سند مجعولی را با علم به مجعول بودن آن ارائه نماید و قصد بردن اموالی را از این طریق داشته باشد، عمل مرتکب قابل تطبیق با شروع به کلاهبرداری نیز می‌باشد. در چنین مواردی که فعل مرتکب، واجد عناوین مجرمانه متعدد است (تعدد معنوی) بنا به تصریح ماده (۴۶) قانون مجازات اسلامی، مجازات جرمی داده می‌شود که مجازات آن اشد است.

### پی‌نوشتها:

- ۱ - محمد باهری؛ جزوه درس حقوق جزای عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۴۰، ص ۲۲۰.
- ۲ - ابراهیم یاد؛ جزوه درس حقوق جزای اختصاصی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، ص ۹۶.
- ۳ - علی‌آزمایش؛ تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ۴ - به عقیده نگارنده عبارت «و نظایر اینها» در ماده ۵۲۳، به موضوع جرم و صور فعل مرتکب، هر دو راجع است.
- ۵ - علی‌آزمایش؛ همان منبع.
- ۶ - محمد صالح ولیدی؛ «موقعیت ضرر در تحقق جعل»، ماهنامه حقوق، سال اول، شماره ۲، ص ۶۵.
- ۷ - علی‌آزمایش؛ همان منبع.
- ۸ - محمد صالح ولیدی؛ حقوق جزای اختصاصی، جلد سوم، نشر غروب، ۱۳۷۱، ص ۲۵۰ و بعد.
- ۹ - ایرج گلدوزیان؛ حقوق جزای اختصاصی، جلد اول، نشر ماجد، ۱۳۷۲، ص ۴۲۲.
- ۱۰ - سیدعباس جزایری فارسانی؛ ماهنامه دادرسی، شماره ۹، مرداد و شهریور، ۱۳۷۷، ص ۳۵.
- ۱۱ - هوشنگ شامبیانی؛ «جعل اسکناس و اوراق بهادار»، ماهنامه دادرسی، شماره هفتم، ۱۳۷۷، ص ۱۹.

در جرم استعمال یا استفاده از سند مجعول، عمل مرتکب عبارتست از ارائه و ابراز آن. این جرم از جرایم مطلق بوده و محصول نتیجه، شرط تحقق جرم نمی‌باشد.

تئوری قابل تصور باشد، از نظر عملی شروع به جرم متصور نیست؛ علاوه بر اینکه نص قانونی نیز در مورد آن وجود ندارد.

### گفتار چهارم؛ رکن معنوی:

وجود سوء نیت عام مرتکب ارائه و ابراز نوشته یا سند مجعول و همچنین علم مرتکب به مجعول بودن، ضروری است. سوء نیت خاص مرتکب درخواستن نتیجه لازم نمی‌باشد. انگیزه و داعی مرتکب جز در مورد ماده (۵۲۶) که موجب تشدید مجازات می‌گردد، اصولاً بی‌اثر است.

برخی از اساتید، قصد مرتکب را مبنی بر افلال در وضع پولی یا بانکی و یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی، سوء نیت فاص تلقی نموده‌اند

### گفتار پنجم؛ مجازات:

در هر مورد که قانونگذار جعل را جرم دانسته است، استفاده از شیء مجعول را نیز جرم و مشمول همان مجازات جعل می‌داند. در این رابطه، می‌توان به مواد (۵۲۴ تا ۵۳۰) و (۵۳۵ تا ۵۳۷) قانون مجازات اسلامی و یا ماده (۶) قانون گذرنامه اصلاحی سال ۱۳۶۷، اشاره نمود.

از آنجا که ماده (۵) قانون مجازات اسلامی، صرفاً بیان‌کننده یک قاعده صلاحیتی مربوط به نظم و امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است، جرم تلقی شدن هریک از موارد مذکور در ماده فوق، منوط به تعلیق مورد با یکی از مواد مربوط به جعل می‌باشد. معافیت موضوع ماده (۵۳۱)، با شرح مذکور در بحث جعل، شامل مرتکبین استفاده از سند مجعول نیز می‌گردد.

عالی کشور، اجرای قانونی این جرم را تشکیل می‌دهند. نکته اساسی و مهم، استقلال این جرم می‌باشد. جرم جعل و استفاده از سند مجعول دو جرم جداگانه و مستقل محسوب می‌شوند و قواعد مربوط به تعدد مادی در این رابطه اعمال می‌گردد و در این خصوص، رأی وحدت رویه شماره ۱۱۸۸ - ۱۳۳۶/۳/۳۰ - صراحت تام دارد.

### گفتار سوم؛ رکن مادی:

عمده مطالبی که در بحث عنصر مادی جعل عنوان گردید، در خصوص استفاده از سند مجعول نیز صادق است و به منظور جلوگیری از اطاله کلام، از ذکر دوباره آنها خودداری می‌نمایم. موضوع جرم اخیر، نوشته، سند و دیگر اشیائی است که در مواد مربوط به جعل از آنها نام برده شده است. همکاری در ارتکاب جرم، به صورت شرکت یا معاونت در جرم در اینجا نیز با جمع دیگر شرایط قابل تصور است. خصوصیتی در مرتکب جرم شرط نیست اما نوع نوشته یا سند مجعولی که مورد استفاده قرار می‌گیرد، از عوامل تشدید مجازات می‌باشد.

در جرم استعمال یا استفاده از سند مجعول، عمل مرتکب عبارتست از ارائه و ابراز آن. این جرم از جرایم مطلق بوده و حصول نتیجه، شرط تحقق جرم نمی‌باشد. به علاوه، لازم نیست که به جهت استفاده از آن سند، نفعی به مرتکب برسد یا موجب اضرار غیر گردد. محلی که سند در آنجا ارائه و ابراز می‌گردد، باید محل مناسب و موثر باشد و چنانچه شخصی گذرنامه مجعولی را با علم به مجعول بودن به عنوان مدرک شناسایی و نحو آن به مأموری غیر از مأمورین مرزی و مثلاً به مأمور راهنمایی و رانندگی ارائه نماید، به عنوان استفاده از سند مجعول قابل تعقیب نمی‌باشد. وسیله این جرم، نوشته، سند یا شیئی مجعول است و این وسیله خاص شرط در تحقق جرم است، همان‌گونه که نوع این وسیله نیز می‌تواند موجب تشدید مجازات گردد. شروع به جرم استفاده از سند مجعول، شروع به عملیات اجرائی آن است و هرچند از نظر